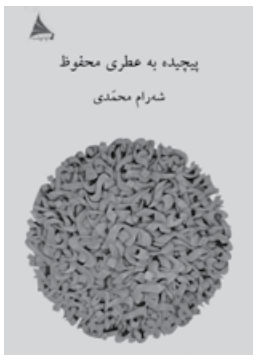




شعر فارسی در فراز و نود پوست انداختنی دیگر

دکتر جلیل دوستخواه

استاد دانشگاه، نویسنده و پژوهشگر شاهنامه



شهرام محمدی (آذرخش)

پیچیده به عطری محفوظ (دفتری از بیست و یک شعر)

یکصد صفحه، زُعی - نرم جلد. انتشارات آوانوشت، تهران - ۱۳۹۵

نگاره‌ی روی جلد: آتشدان (خط‌نگاری‌ی محمد احصایی).

شعر بلندآوازه و جهان‌شمول فارسی، در متن فرهنگ ایرانی، گذشته از مُرده‌ریگ والای سه هزارساله‌اش (سرودهای گاهانی‌ی زرتشت سپیدمَنش (اوستا، کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، هیجدهمین باز نشر، انتشارات مروارید، تهران، زمستان ۱۳۹۴)، در چهارده سده‌ی اخیر نیز، جهانیان را به اعجاب واداشته است.

در بیش از یک سده‌ی اخیر و از سر‌بند جنبش و خیزش مشروطه‌خواهی تاکنون نیز، شعر فارسی، نمود والایی از جویایی و پویایی‌ی ادبی و فرهنگی بوده است و هست و دست‌اندر کارانش: بهارها، عارف‌ها، عشقی‌ها، ایرج میرزاها، نیما یوشیج‌ها، شاملوها، اخوان‌ها، ابتهاج / سایه‌ها، کسرابی‌ها، م. آزادها، فروغ فرخ‌زادها، سیمین بهبهانی‌ها، محمد حقوقی‌ها و... و...، نقش‌ورزی‌ی مهم و دوران‌سازی در شکل‌بخشی‌ی سزاواری به زندگی‌ی اجتماعی و فرهنگی‌ی ایرانیان در عصر جدید، داشته‌اند و امروز نیز یکی از پویاترین و کوشاترین بخشها در ساختار این جامعه، به شمار می‌آیند تا جایی که تصوّر جامعه‌ای بدون حضور و کُنش اینان، موجب سر‌خوردگی خواهد بود.

شهرام محمدی - که نخستین سالهای پنجمین دهه‌ی زندگی را می‌گذرانند - یکی از بویندگان این راه زرین است. او - که پایی استوار در ادب عرفانی و مرده‌ریگ فرهنگ سرشار گذشته و دستی گشوده در گنجینه‌ی شعر پیشرو امروز دارد - با چنین کولبار پُرمایه‌ای، در صفِ راهیانِ فردا گام برمی‌دارد و نشان داده است که می‌توان و باید زنجیره‌ی پیوند و پیمان با دست‌آوردهای والای ادب سرشار نیاکان را به استواری پی گرفت و با چنین ره‌توشه‌ی ارجمندی، راه‌سپار آینده و فرازهای تازه‌ای شد که سزاوار مردمی با چنان بُن‌مایه و پیشینه‌ی درخشان و پشتوانه‌ی والای فرهنگی و ادبی است. «همت‌ش بدرقه‌ی راه باد!»

ناشر، این دفتر را در چهارچوب مجموعه‌ای با عنوان چشم‌انداز شعر امروز با دبیری طاهر نوکنده، نشر داده و در یادداشتی از همو، آورده است:

«آوانوشت برای آشنایی خوانندگان زبان فارسی، برنامه‌ی پیش‌تازان شعر مدرن امروز ایران و جهان را به قصد جست‌وجوی شیوه‌ای تازه، با معیارها و دیدگاه‌های نقد نو، اساس کار انتشارات خود، قرار داده است. کوشش بر این بوده است تا خواستاران این گونه آثار، به نیت دست‌یابی به نقدی همگام با نقد پیش‌تاز جهانی، با سبک‌ها و جنبه‌های گوناگون گرایش‌های متفاوت شعر امروز و جلوه‌های متنوع آن، آشنایی پیدا کنند و از این رهگذر، معیارهای تازه‌ای برای میدانهای گوناگون نقد شعر به زبان فارسی فراهم آید - نقدی دیگر. این برنامه‌ی انتشاراتی، اگر فرصتی دست دهد، در آینده، هر از گاهی ادامه خواهد داشت.»

بدین سان، ناشر نوید می‌دهد که این کارنامه‌ی شعری، کاری اتفاقی و تیری به تاریکی نیست؛ بلکه کوششی است آگاهانه بر پایه‌ی اندیشه و نگرشی روشن نسبت به دیروز و امروز و فردای شعر فارسی و خواننده را فرامی‌خواند تا آن را در چنین چهارچوبی بنگرد و گفته‌ها و ناگفته‌ها را ارزیابد.

اکنون دیگر، نوبت خواننده‌ی جوینده و پوینده است که پای‌افزار بپوشد و گام در راه جستاری گسترده و ژرف بگذارد و در پیچ و تاب و فراز و فرودهای این راه درنگ کند و پا به پای شاعر، به کوشش و کاوش بپردازد و گفته‌ها و ناگفته‌ها و رازواره‌ها را بنگرد و بررسد و ارزیابد تا از هزارتوی این کاوش، سربر آورد و به فراخانی روشن اشراف و وقوف برسد.

در پایان، شعر نقش جهان را - که رنگ و نشان ویژه‌ی زادگاه بلندآوازه‌ی شاعر را دارد - نمونه‌وار می‌آورم تا سرانجام سزاواری برای این ارزیابی‌ی شتابزده باشد.

غرقه، غرقه، غرقه

نور، ماه، گچ

عابری نه من که موج، آب

در کنار حوض، تکیه کرده بر سکوی سنگی

سنگین



این کدام تگه‌ی شب است؟
این که می‌رسد با سگه سگه، نورنه که گرد سالیان دور
کولی سراب و آب

با دو بافه موی روان
چشم‌های کاشی و دامن سنگ
خاموش با خش خش حلبی‌ها بر حاشیه‌ی چارقد چرکین
- دست راستتو بده ببینم!

او...ه، نقطه‌های روشن و سیاه
چار خط شکسته

پله‌های پیچ پیچ
عُمر

عشق

مرگ

هیچ... -

سر بلند می‌کنم نه من که خاک، سنگ

چار گوشه‌ی کشیده‌ی میدان

غرغه، غرغه، غرغه

نقش، موج، خط

برسکوی خویش

چتر آب در میان حوض

می‌شکند.